


A Conflict Between Covid-19 and Religion: Discourse Analysis of Persian Twitter Based on Van Dijk Model

Abedeh Mirzaee *  | PhD student in Linguistics, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Abstract


With the spread of coronavirus in Iran, the government cancelled public events and declared the necessity of closing crowded centers, including religious places. Following this announcement, some people in Mashhad and Qom protested by entering the holy shrines. These actions were quickly reflected in cyberspace. On twitter- a social networking Web site- which is possible for the users to debate, A group of users considered the opposition to health orders contrary to religious law. Another group contrasted religion with science. The present study aims to study these debates and the main question is that what strategies each group used to express its beliefs and viewpoints? For this purpose, 170 Persian tweets containing the keywords "religion" and "corona" were selected and examined using the Van Dijk Model. Data analysis showed that the most common linguistic tools used by users to represent their beliefs and ideologies are the two strategies of "distancing" and "cursing". Since the role and the influence of social networks, e.g., Twitter, are undeniable and tweets can shape social actions, the conflict observed in this space can also extend to the community and cause tensions. The results of this study and doing similar studies can help to identify the cause of these conflicts and provide the basis for empathy and the possibility of beneficial dialogue between different ideologies and thus ensure social stability.

Keywords: Discourse analysis, corona, religion, twitter, ideology.

* Corresponding Author: Abedeh_mirzaee@yahoo.com

How to Cite: Mirzaee, A. (2021). A Conflict Between Covid-19 and Religion: Discourse Analysis of Persian Twitter Based on Van Dijk Model. *Language Science, Corona Special Letter*, Vol. 8, 7-30. Doi: 10.22054/ls.2020.53527.1373

کرونا، پنجه‌درپنجه مذهب: تحلیل گفتمان تویتر فارسی با چارچوب شناختی-اجتماعی ون‌دایک

عابده میرزایی  * | دانشجوی دکتری رشته زبان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

چکیده

با شیوع کرونا در ایران و مطرح‌شدن لزوم تعطیلی مراکز پرجمعیت، از جمله اماکن مذهبی، برخی با این تصمیم مخالفت کردند و عده‌ای، در قم و مشهد، با حضور در حرم‌ها تلاش کردند که مانع بسته‌شدن آن‌ها شوند. این اقدامات به سرعت در فضای مجازی بازتاب یافت. در شبکه اجتماعی تویتر، که امکان بحث و گفت‌وگو بین کاربران فراهم است، گروهی مخالفت با دستورالعمل‌ها بهداشتی را مغایر با احکام دین دانستند و گروهی دیگر مذهب را در تقابل با علم قرار دادند. این پژوهش معطوف به این بحث‌هاست و مسئله اصلی آن، این است که هر گروه برای بیان باور و دیدگاه خود از چه سازوکارهایی بهره گرفته‌اند؟ به این منظور، ۱۷۰ توییت فارسی، با کلیدواژه‌های «دین» و «کرونا»، انتخاب و با استفاده از انگاره ون‌دایک، بررسی شدند. تحلیل داده‌ها نشان داد که بیشترین ابزار زبان‌شناختی به کارگرفته شده توسط کاربران، برای بازنمایی باورها و ایدئولوژی خود، دو راهبرد «فاصله‌گذاری» و «نفیرین و دشواژه» است. از آنجا که شبکه‌های اجتماعی بسیار تأثیرگذارند و توییت‌ها می‌توانند کنش‌های اجتماعی را شکل دهند، تقابل‌های مشاهده شده در این فضا می‌توانند به سطح جامعه هم کشیده شوند و تنش‌هایی را ایجاد کنند. نتایج این پژوهش و انجام مطالعات مشابه می‌تواند به شناخت علت این تقابل‌ها کمک کند و زمینه را برای ایجاد هم‌دلی و امکان گفت‌وگوی ثمربخش میان ایدئولوژی‌های متفاوت فراهم و از این طریق، ثبات اجتماعی را تضمین کند.

کلیدواژه‌ها: تحلیل گفتمان، ون‌دایک، کرونا، دین، تویتر، ایدئولوژی.

۱. مقدمه

در تاریخ ۳۰ بهمن ۱۳۹۸، خبر فوت دو فرد، در اثر ابتلا به کرونا در قم، اعلام شد. این اولین خبر رسمی از شیوع کرونا در ایران بود، در حالی که پیش از این تاریخ، وجود این بیماری در کشور انکار می‌شد. در روزهای بعدی که لزوم قرنطینه، از جمله تعطیلی اجتماعات مذهبی، در شهر قم مطرح شد، حجت‌الاسلام سعیدی، تولیت آستان حضرت معصومه (س) موضع گرفت و گفت: «ما این حرم مقدس را دارالشفا می‌دانیم. دارالشفا یعنی مردم بیایند و از امراض شفا بیابند و از امراض روحی و جسمی شفا بگیرند؛ بنابراین، اینجا باید باز باشد. باید باقوت مردم بیایند. البته ما احتیاط را هم شرط می‌دانیم و مسائل بهداشتی را هم رعایت می‌کنیم» (تابناک، ۱۳۹۸). این اقدام حجت‌الاسلام سعیدی واکنش کسانی را برانگیخت که معتقد بودند تجمعات موجب انتقال ویروس کرونا می‌شوند و عمل به دستورالعمل‌های بهداشتی ضروری است. در مقابل، برخی دیگر از مراجع تقلید بر لزوم رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی و اجرای تصمیمات شورای امنیت ملی تأکید کردند. در ۲۶ اسفند ۱۳۹۸، در پی ابلاغ ستاد ملی مبارزه با کرونا و اعلام وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، تصمیم به تعطیلی حرم حضرت معصومه (س) و مسجد جمکران و حرم امام رضا (ع) گرفته شد. در پی اعلام این خبر، عده‌ای، در قم و مشهد، با حمله به درهای ورودی این اماکن مقدس، اقدام به شکستن گیت‌های ورودی کردند و با تخریب درها، تلاش کردند وارد حرم شوند. پیش از این هم ویدئوهایی از برخی افراد در فضای مجازی منتشر شده بود که در حال لیس زدن ضریح و درهای حرم‌ها، از باور خود به ایمن بودن حرم‌ها در مقابل بیماری صحبت می‌کردند. مجموعه اتفاقاتی که مرور شد، موجب شدند که در فضای مجازی، افرادی، در دفاع از ساحت مذهب، این اقدامات را مخالف تعالیم دین بدانند و تأکید کنند دین تعارضی با علم و دستورالعمل‌های بهداشتی ندارد. عده‌ای دیگر نیز چنین رویدادهایی را نتیجه طبیعی باور مذهبی دانستند و دین را در مقابل علم قرار دادند؛ بنابراین، تقابلی بین دو دیدگاه شکل گرفت. پژوهش حاضر بر آن است تا با بررسی تویتر فارسی و با استفاده از روش تحلیل گفتمان انتقادی ون‌دایک^۱ نشان دهد که هر کدام از این دو گروه از کدام عناصر زبان‌شناختی برای ارائه دیدگاه خود بهره برده‌اند؟

ون‌دایک (۱۹۹۸) گفتمان را به‌مثابه نوع خاصی از کاربرد زبان و همچنین به‌مثابه نوعی تعامل اجتماعی در نظر می‌گیرد. او بیان می‌کند که آنچه تحلیل گفتمان را از دستور جمله متمایز می‌سازد این است که تحلیل گفتمان، به‌طور ویژه، بر پدیده‌هایی ورای جمله‌ها تمرکز می‌کند. کلمات و جمله‌ها بخش ضروری هر گفتمان هستند. از آنجا که «معنای»^۱ گفتمان ساختی شناختی است، ون‌دایک، در مفهوم گفتمان، نه تنها ویژگی‌های زبانی یا تعامل‌های اجتماعی و کارگفت‌ها^۲ را در نظر می‌گیرد، بلکه بازنمایی‌های شناختی و راهبردهایی را هم که در تولید و درک گفتمان دخالت دارند مد نظر قرار می‌دهد. او متن^۳ را گفتمان مکتوب^۴ در نظر می‌گیرد و معتقد است که ایدئولوژی، هم در تولید و هم در درک مفاهیم گفتمان، بر ساختارهای ذهنی انسان اثرگذار است. به عبارتی دیگر، می‌توان از طریق عناصر زبان‌شناختی متن، تا حدی، به ایدئولوژی حاکم بر ساختارهای ذهنی دست یافت.

امروزه فضای مجازی بستری را برای آفرینش آزادانه و نامحدود گفتمان مکتوب فراهم آورده است. شبکه اجتماعی توئیتر امکان برقراری انواع تعامل با اهداف مختلف مانند درارتباط‌بودن با دوستان، اشتراک محتوای چندرسانه‌ای، اخبار و تبلیغات را فراهم آورده است. برخلاف دیگر شبکه‌های اجتماعی، مانند فیس‌بوک و اینستاگرام، اغلب صفحه‌ها در توئیتر عمومی هستند و همین ویژگی فضایی برای بحث، شوخی، تبادل خبر و شایعات و غیره را به وجود آورده است (Herring et al., 2013). پژوهشگران بسیاری توئیتهای را از منظرهای مختلف مورد بررسی قرار داده‌اند. موارد متعددی از تحلیل محتوای توئیتهای در کارزارهای انتخاباتی وجود دارند؛ مدینا و مونوز^۵ (۲۰۱۴) توئیتهای دو نامزد انتخابات ۲۰۱۱ اسپانیا را، از جنبه کمی و کیفی، بررسی کرده‌اند. سوسا و ایوانف^۶ (۲۰۱۲)، محمد و همکاران^۷ (۲۰۱۵)، گلبک و همکاران^۸ (۲۰۱۰) از جمله پژوهشگرانی هستند که به تحلیل محتوای توئیتهای سیاست‌مداران آمریکایی پرداخته‌اند. پژوهش‌های آنان نشان داد که

-
1. meaning
 2. speech acts
 3. text
 4. written discourse
 5. Medina, R., & Muñoz, C.
 6. Sousa, A., & Ivanova, A.
 7. Mohammad, S. M. et al.
 8. Golbeck, J. et al.

توییت‌ها، به شیوه‌های گوناگون، بر عواطف و افکار مخاطبان تأثیر می‌گذارند و می‌توانند کنش‌های اجتماعی را شکل دهند و جامعه را به سمت‌وسوی خاصی هدایت کنند (کلانتری خاندانی و همکاران، ۱۳۹۹). کلانتری خاندانی و همکاران (۱۳۹۹) توییت‌های ترامپ را، بر پایه‌ی روش تحلیل گفتمان انتقادی ون‌دایک، واکاوی کردند و نشان دادند که ترامپ از عناصر زبان‌شناختی در سطح معنایی، استدلال و سبک بهره می‌گیرد. آنها همچنین دریافتند که کاربران توییت، پیوسته، در مواجهه گفتمان‌های ایدئولوژیک قرار می‌گیرند که این گفتمان‌ها می‌توانند در جامعه پایه‌گذار نظریه‌های اجتماعی شوند و نقش تعیین‌کننده‌ای در سبک زندگی و دیدگاه افراد یک گروه و یا روابط میان‌گروهی داشته باشند.

در این مقاله، ۱۷۰ توییت برای بررسی انتخاب شده است تا شیوه استفاده از راهبردهای زبانی در گفتمان غالب بر آنها نشان داده شود. این مقاله در پی پاسخ به این پرسش است که ایدئولوژی حاکم بر ذهن نویسندگان توییت‌ها چگونه در متن بازنمایی می‌شود و عناصر زبان‌شناختی آن، چه مواردی هستند؟ از آنجا که در پژوهش‌های پیشین، نشان داده شده است که توییت‌ها می‌توانند کنش‌های اجتماعی را شکل دهند، اهمیت پژوهش حاضر در این است که می‌تواند زمینه شکاف‌های اجتماعی بالقوه را نشان دهد؛ به این معنا که تقابل‌های مشاهده‌شده در شبکه‌های اجتماعی، مانند توییت، می‌توانند به جامعه کشیده شوند و بنابراین، لازم است جامعه‌شناسان و سیاستمداران، با استفاده از روش‌هایی مانند پژوهش حاضر، این تضادهای اجتماعی را بشناسند و برای ایجاد هم‌مدلی و همگرایی میان گفتمان‌های مختلف تلاش کنند. همچنین، این پژوهش از نظر کاربرد رویکرد ون‌دایک در تحلیل گفتمان توییت‌های فارسی‌زبانان بی‌سابقه است و می‌تواند گامی نو در پژوهش‌های تحلیل گفتمان در زبان‌شناسی باشد.

۲. چارچوب نظری

نظریه گفتمان در زبان‌شناسی متولد شد، زلیگ هریس^۱ (۱۹۵۲) اولین زبان‌شناس ساخت‌گرایی است که واحدهای بزرگ‌تر از جمله را در کانون توجه زبان‌شناسی قرار داد و آن را تحلیل گفتمان^۲ نامید. زبان‌شناسان نقش‌گرا مفهوم بافت را وارد تحلیل گفتمان

1. Harris, Z.

2. discourse analysis

کردند و گفتمان را به‌مثابه زبان، به هنگام کاربرد، در نظر گرفتند. منظور از بافت^۱، در اینجا، شرایط زمانی و مکانی محدودی است که زبان در آن به کار می‌رود. به دلیل محدودیت بافت در این نگرش، فاولر^۲، هاج^۳، کرس^۴ و ترو^۵، در قالب زبان‌شناسی انتقادی، قدرت و ایدئولوژی را هم وارد جریان تحلیل گفتمان در زبان‌شناسی کردند. زبان‌شناسی انتقادی به تحلیل گفتمان انتقادی^۶ معروف شد. ون‌دایک^۷ و فرکلان^۸ بنیان‌گذاران سه رویکرد اصلی در تحلیل گفتمان انتقادی هستند. در تحلیل گفتمان انتقادی، زبان بزرگ‌تر از گفتمان است (سلطانی، ۱۳۸۳).

ون‌دایک، با برقراری پیوند میان سه مفهوم گفتمان، شناخت و اجتماع، مثلی را شکل داده که مبنای رویکرد متمایزش به تحلیل گفتمان انتقادی، یعنی رویکرد اجتماعی-شناختی است (سلطانی، ۱۳۸۴).

«منظور از گفتمان در اینجا، همان زبان در بافت موقعیتی و اجتماعی است؛... شناخت مرتبط است با شناخت فردی و اجتماعی، باورها و همچنین ارزیابی احساسات و یا همه ساختارها، بازنمایی‌ها و فرایندهای ذهن و حافظه که به گفتمان و تعامل مربوط‌اند؛... اجتماع هم شامل خرده‌ساختارهای محلی تعاملات رودرروی موقعیت‌مند می‌شود، هم شامل ساختارهای همگانی‌تر سیاسی و جمعی که در قالب گروه‌ها، روابط گروهی (مانند سطله و نابرابری)، جنبش‌ها، نهادها، سازمان‌ها، فرایندهای اجتماعی و نظام‌های سیاسی و خصوصیات انتزاعی‌تر جوامع و فرهنگ‌ها تعریف می‌شود. به این ترتیب، جنبه‌های شناختی و اجتماعی این مثلث، بافت محلی و همگانی گفتمان را فراهم می‌آورد» (Van Dijk, 2001؛ به نقل از سلطانی، ۱۳۸۴).

ون‌دایک، در قالب این چارچوب چندرشته‌ای^۹ که مفاهیم اجتماع، شناخت و گفتمان را با هم آمیخته است، ایدئولوژی را به معنای «نظام باورها»^{۱۰} تعریف می‌کند؛ بنابراین،

-
1. context
 2. Fowler, R.
 3. Hodge, B.
 4. Kress, G.
 5. Trew, T.
 6. critical discourse analysis
 7. Wodak, R.
 8. Fairclough, N.
 9. multidisciplinary
 10. belief systems

ایدئولوژی شامل اعمال ایدئولوژیک یا ساختارهای اجتماعی (مانند کلیسا یا احزاب) نیست، بلکه مفهومی شناختی است. ایدئولوژی‌ها، به‌عنوان نظام باورها، بازنمایی‌های مشترک گروه‌های اجتماعی هستند. ایدئولوژی‌ها که اساس تصور از خود^۱ را در گروه‌های اجتماعی می‌سازند، هویت، اعمال، اهداف، هنجارها و ارزش‌های گروه و همچنین رابطه آن با دیگر گروه‌های اجتماعی را شکل می‌دهند. ایدئولوژی‌ها در اعمال اجتماعی اعضای آن بیان و بازتولید می‌شوند و از طریق گفتمان، آموخته، تثبیت و یا دچار تغییر می‌شوند (Van Dijk, 2006). حال، باید دید که ایدئولوژی چگونه در گفتمان بروز پیدا می‌کند و گفتمان چه نقشی در عملکردهای اجتماعی ایدئولوژی‌ها دارد. به این منظور، ون‌دایک (۲۰۰۳) بیان می‌کند که باید به جزئیات روش‌هایی که ایدئولوژی‌ها خود را در گفتمان نشان می‌دهند پردازیم. بعضی ساختارهای متن یا گفته، بیشتر از دیگر ساختارها، ایدئولوژی را نمایان می‌کنند. به‌عنوان مثال، معنا و سبک (انتخاب واژگان) بیشتر از صرف و نحو جمله‌ها تحت تأثیر ایدئولوژی هستند. مثلاً در انگلیسی همیشه حرف تعریف پیش از اسم می‌آید و هیچ ایدئولوژی‌ای نمی‌تواند آن را تغییر بدهد. اما وقتی ما کسی را «مبارز آزادی» یا «تروریست» می‌خوانیم، انتخاب واژگان بسیار تحت تأثیر طرز تفکر ما نسبت به آن فرد قرار دارد و این تفکر هم، به‌نوبه خود، به ایدئولوژی و جهت‌گیری ما نسبت به گروهی که فرد به آن تعلق دارد، وابسته است. به‌عبارت‌دیگر، ما به دنبال آن ویژگی‌هایی از گفتمان هستیم که تفاوت‌های ایدئولوژیکی مدل‌های موقعیتی، رویدادی و رفتارهای اجتماعی را تعیین می‌کنند. «بر پایه آموزه‌های ون‌دایک، هنگامی که فردی درباره خود و گروهش فکر می‌کند و یا با گروه‌های دیگر در ستیز است، برای دفاع از خود و گروهش، به راهبردی کلی در گفتمان‌ها دست می‌یابد» (کلانتری خاندانی و همکاران، ۱۳۹۹). اساساً، راهبرد کلی در بیشتر گفتمان‌های ایدئولوژیک یک چیز است: «بیان نکات مثبت ما و بیان نکات منفی آن‌ها». این راهبرد کلان^۲ بر معنا اعمال می‌شود و بنابراین، محدود خواهد بود. باید به‌نوعی آن را گسترش بدهیم تا بتواند دیگر ساختارهای گفتمان را مشخص کند؛ اما ابتدا، لازم است که آن را به این صورت کامل کنیم: «چیز منفی در مورد ما نگوئیم،

1. self-image
2. macro strategy

هیچ چیز مثبتی در مورد آنها نگوییم». به عبارت دیگر، چهار اصل در بروز ایدئولوژی وجود دارد:

۱. روی نکات مثبت ما تأکید کنیم.
۲. روی نکات منفی آنها تأکید کنیم.
۳. از نکات منفی ما رفع تأکید کنیم.
۴. از نکات مثبت آنها رفع تأکید کنیم.

ون دایک این چهار اصل را «مربع ایدئولوژیک»^۱ نامیده است. او هر گفتمان را دارای هشت سطح خرد می‌داند و بیان می‌کند که این اصول چهارگانه به تمام سطوح گفتمان اعمال می‌شوند. این سطوح عبارت‌اند از: معنا، ساختارهای گزاره‌ای^۲، ساختارهای صوری^۳، نحو جمله، صورت‌های گفتمان^۴، استدلال^۵، بلاغت^۶، کنش و واکنش^۷. در هر کدام از این سطوح، ون دایک نشانه‌های متنی را برای بررسی تعیین کرده است. به عنوان مثال، در سطح بلاغت، استفاده از استعاره می‌تواند کارکردی ایدئولوژیک داشته باشد. باید توجه داشت که این نشانه‌ها، به خودی خود، ایدئولوژیک نیستند؛ استعاره را می‌توان در هر جایی و توسط هر فرد و گروهی به کار برد. در واقع، آنچه توسط ایدئولوژی کنترل می‌شود «محتوای» نشانه‌هاست. با این حال، بعضی از ساختارها و ابزارها توسط بعضی از ایدئولوژی‌ها بیشتر به کار می‌روند (Van Dijk, 2003: 85).

۳. روش

برای انجام این پژوهش، در امکان جستجوی پیشرفته شبکه اجتماعی توییتر، کلیدواژه‌های «دین» و «کرونا» برای یافتن توییت‌های شامل این کلیدواژه‌ها به کار گرفته شدند؛ بازه زمانی توییت‌ها را از اول اسفند تا ۱۰ اردیبهشت و زبان را فارسی تعریف کردیم. با استفاده از همین امکان، تنها توییت‌هایی را که بیشتر از ۱۰۰ بار پسند^۸ شده بودند، به عنوان خروجی،

-
1. ideological square
 2. propositional structures
 3. formal structures
 4. discourse forms
 5. argumentation
 6. rhetoric
 7. action and interaction
 8. like

به دست آوردیم. در مجموع، پیکره‌ای شامل ۱۷۰ توییت (۸۵۱۹ کلمه) تهیه شد. لازم به ذکر است که با توجه به محدودیت تعداد واژه‌ها در یک توییت، کاربران توییت، برای بیان مطالب طولانی‌تر، از امکانی به نام «رشته توییت»^۱ استفاده می‌کنند. در این پژوهش، این رشته توییت‌ها یک توییت در نظر گرفته شده‌اند. توییت‌ها، براساس موضع مثبت یا منفی نویسنده نسبت به «دین یا مذهب»، به دو گروه تقسیم شدند (گروه ۱ نسبت به مذهب دیدگاهی مثبت داشتند و گروه ۲ نسبت به مذهب دید مثبتی نداشتند و آن را در تقابل با علم می‌دانستند). برای هر توییت، ابزارها و عناصر زبان‌شناختی معرفی شده در انگاره وندایک را، که توسط نویسنده توییت به کار رفته بودند، مشخص کردیم. با استفاده از زبان برنامه‌نویسی «سی شارپ»^۲، برنامه‌ای نوشتیم که فراوانی کاربرد هر راهبرد گفتمانی و ابزار زبان‌شناختی را در پیکره جمع‌آوری شده و به تفکیک گروه، مشخص کرد که نتایج آن در جدول (۱) آمده است. سپس، با استفاده از نتایج به دست آمده به تحلیل داده‌ها پرداختیم که در بخش بعدی به آن پرداخته شده است.

جدول ۱. درصد فراوانی ابزارهای زبانی در سطح کلان و سه سطح معنا، استدلال و ساختارهای گزاره‌ای

مؤلفه‌های رویکرد وندایک	گروه		میانگین مجموع دو گروه
	۱	۲	
راهبردهای کلان	بازنمایی مثبت خود	٪۱۱	٪۲,۵
	بازنمایی منفی دیگری	٪۲	٪۴
سطح معنا	فاصله‌گذاری	٪۱۸	٪۱۶
	قطب‌بندی	٪۱۸	٪۱۴
	نمونه و مثال	٪۱۵	٪۱۵
	نفرین و دشواژه	٪۱۲	٪۲۱
	مقایسه	٪۷	٪۷
	انکار	٪۱	٪۲,۵
	تلویح و پیش‌انگاری	٪۲	٪۵
سطح استدلال	تعمیم	٪۵	٪۱۰
سطح ساختارهای گزاره‌ای	گواه‌نمایی	٪۹	٪۷,۵

1. thread
2. C#

۴. یافته‌ها

در این بخش، راهبردهای کلان معناشناختی^۱ و همچنین نشانه‌های متنی در سطوح معنا، استدلال، بلاغت و ساختارهای گزاره‌ای مورد بحث قرار می‌گیرند تا کیفیت و روش به‌کارگیری آن‌ها در توییت‌های هر دو گروه تبیین شود. لازم به ذکر است که ون‌دایک، در هر کدام از سطوح، کاربرد نشانه‌ها و عناصر زبانی فراوانی را مثال زده است. در اینجا، براساس فراوانی راهبردها، به موارد معدودی اشاره شده است. همچنین راهبرد دیگری به نام «نفرین و دشوازه» را نویسنده مقاله حاضر در سطح معنا معرفی کرده است. به نظر می‌رسد که این راهبرد، که از فراوانی قابل توجهی در توییت‌های فارسی برخوردار است، در جهت راهبرد کلان «بازنمایی منفی دیگران» و همچنین فاصله‌گذاری با گروه مقابل به کار می‌رود.

۴-۱. راهبرد کلان معناشناختی

راهبرد کلان معناشناختی به‌کارگیری چهار اصل مربع ایدئولوژی ون‌دایک جهت بازنمایی منفی دیگری و بازنمایی مثبت از خود است. تقسیم‌بندی افراد به خوب و بد، ارزش‌زدوده نیست و براساس ارزش‌ها و هنجارهای ایدئولوژیک است. در هر سطحی از تحلیل، مانند تحلیل معنایی یا واژگانی، بازنمایی‌ها می‌تواند در جهت ارائه تصویر منفی از دیگری باشد (Van Dijk, 2003: 78). بازنمایی مثبت خود اصالتاً ایدئولوژیک است، چون براساس خود-طرحواره مثبتی است که تعیین‌کننده ایدئولوژی یک گروه است (Van Dijk, 2003: 81). در توییت‌های زیر، کاربرد این راهبردها نشان داده شده است:

(۱) ویروس مذهب نمی‌شناسد. بحث کرونا را با دین به تحلیل نگیرید. دعا، تلاوت و اذکار روان را صفا و آرامش می‌بخشد، اما وقایع و احتیاط هم جزء تأکیدات دینی است. حفظ جان واجب است؛ توصیه طیب حاذق محذورات شرعی را مباح می‌سازد. هرگونه اجتماعات که خطر را متوجه خود و دیگران نماید ممنوع است. مواظب باشید.

در این توییت، نویسنده، با اشاره به احکام فقهی که عمل به دستورهای بهداشتی را واجب می‌دانند، تصویری مثبت از دین ارائه کرده است که نه تنها تقابلی با علم ندارد، بلکه همسو و تأییدکننده آن است.

1. semantic macrostrategy

(۲) چیزی به نام ناکارآمدی برای علم وجود ندارد. چون ادعای کامل بودن ندارد، همیشه در حال پیشرفت هست و با روبه‌رو شدن با یک چالش روزبه‌روز به برطرف کردن اون نزدیک می‌شه. دین به عنوان یه موضوع ثابت که هزاران سال ثابت بوده و ادعای کامل بودن داره، مثل همیشه ناکارآمدیش مشخصه.

این توییت در پاسخ به توییت زیر نوشته شده است:

(۳) در «شصت دقیقه» امشب، در نسبت علم و دین با کرونا سخن گفتم. سخنم این بود که هم دین‌باوری و هم علم‌زدگی (دیدگاهی طبیعی‌باورانه -نچورالیستی- که از علم، تصویر نجات‌بخش تمام مشکلات بشر ارائه می‌کند)، هر دو، هم فرصت به دست آورده‌اند و هم گرفتار چالش شده‌اند.

همان‌طور که در مثال (۲) مشخص است، نویسنده تصویری مثبت از علم به دست داده است که در مواجهه با هیچ چالشی، از جمله کرونا، ناکارآمد نیست و هم‌زمان، با ناکارآمدخواندن همیشگی دین، تصویری منفی از آن ساخته است.

۲-۴. سطح معنا

محتوای ایدئولوژیک بیشتر در سطح معنای گفتمان بیان می‌شود. از آنجا که معنای واژه‌ها، جمله‌ها و گفتمان بسیار پیچیده است، مرتبط‌ترین جنبه‌های آن را انتخاب می‌کنیم.

۱-۲-۴. قطبی‌سازی^۱

از نظر ون‌دایک، تقسیم افراد به «درون‌گروه» و «برون‌گروه» شناخته‌شده‌ترین شکل قطبی‌سازی است. این کار از طریق نسبت‌دادن ویژگی‌هایی به ما (خودی) و آن‌ها (غیرخودی)، که از جنبه معناساختی متضاد هستند، صورت می‌پذیرد (Van Dijk, 2015؛ به نقل از قاسمی اصل و نیازی، ۱۳۹۸). در این روش، نویسنده در جهت تفکیک بین گروه خودی و غیرخودی، دو قطب و جبهه مخالف را به تصویر می‌کشد (قاسمی اصل و نیازی، ۱۳۹۸).

(۴) یکی از بستگان رهبر^۲ [در] بی‌بی‌سی «علم‌زدگی» را مطرح می‌کند در کنار خرافات. مثل واقعیت‌زدگی، مثل حقیقت‌انگاری، مثل فکت در مقابل احادیث! این حجم از حماقت

1. polarization

۲. منظور یاسر میردامادی، نویسنده توییت شماره (۳)، است.

مثال زدنی است. استاد با رانت رهبری مدتی است در غرب و در حال تحصیل است و هنوز سیم‌کشی مغزش در حد یک بزغاله است.

در مثال (۴)، که در پاسخ به توییت نقل شده در مثال (۳) نوشته شده است، علم و دین دو قطب مخالف هستند که اولی برابر با واقعیت و حقیقت و در تعارض با دومی است که برابر با خرافات است. نویسنده، همچنین، احادیث را در تضاد با واقعیت‌های علمی قرار داده است.

(۵) نشسته‌اند داخل حرم مطهر و لب‌ودهنشان را می‌خواهند به همه زائرها بچسبانند و روبوسی بکنند. آقایان این افراد را دستگیر کنید. به خدا، به غیر از بدنام کردن دین و مذهب، خیر دیگری ندارد آزاد بودنشان. این همه زحمت و تلاش برای شکست دادن #کرونا با جهالت جماعتی از بین می‌رود؛ منتظر چه هستید؟

نویسنده توییت (۵) با انتشار ویدئویی از پدر و پسری که در حرم امام رضا (ع) اقدام به لیس‌زدن حرم کردند، اقدام آن‌ها را در تضاد با تلاشی می‌داند که افراد درون گروه (خودی) برای جلوگیری از شیوع بیشتر کرونا انجام داده‌اند. افراد درون گروه کسانی هستند که چنین اقدامی، که مخالف اصول علمی و بهداشتی است، از آن‌ها سر نمی‌زند و بنابراین، این پدر و پسر به گروه ایدئولوژیک نویسنده تعلق ندارند.

۴-۲-۲. فاصله‌گذاری^۱

یکی از راه‌های قطب‌بندی بین ما و آنها استفاده از واژگانی است که فاصله بین گروه ما و آن‌ها را نشان می‌دهد. برخی ابزارهای اجتماعی-شناختی آشنا برای بازنمایی فاصله کاربرد ضمیرهای اشاره یا توصیف دیگران به جای نام‌بردن از آنهاست. مثلاً در یک گفتمان نژادپرستانه، برای اشاره به مهاجران، از «آن مردم» استفاده می‌کنند (Van Dijk, 2003).

(۶) ضریح می‌لیسند، در حرم را می‌شکنند، قمه می‌زنند، قلاده می‌اندازند و... اما هر وقت حرم به خطر بیفتد فرار می‌کنند و به سفارت انگلستان پناهنده می‌شوند.

(۷) فردی که در قم ضریح را لیس می‌زنه از هیئتی‌های مسئله‌دار قم هست که پرونده‌اش نزد آگاهان روشنه. در یک مورد، با زوار اهل سنتی که برای زیارت حرم حضرت معصومه

1. distancing

به حرم آمده بودند برخورد توهین آمیزی کرده بود و باعث ایجاد تشنج در حرم شده بود. این رفتار هم بیش از اینکه عقیدتی باشد، سیاسی است. نویسندگان توییت‌های (۶) و (۷) تلاش کرده‌اند با بیان وابستگی افرادی که تلاش داشتند مانع تعطیلی حرم شوند به انگلستان و مسئله دار و سیاسی بودن اهداف آنها، میان خود (به‌عنوان افراد مذهبی) و این گروه فاصله‌گذاری کنند. (۸) این همان لحظه است که در تقویم تاریخ بشریت ثبت خواهد شد. در شبی که یک عده شل مغز و جاهل و خوارچ‌نما، با جفتک پرانی، مانع بسته‌شدن مقطعی درب حرم شدند، در آمریکا، زنی، به‌صورت داوطلبانه، اولین واکسن کرونا را دریافت کرد. انسانیت و از خودگذشتگی دین و مذهب نمی‌شناسد. در مثال (۸)، نویسنده برای ایجاد فاصله‌گذاری، دیگری را با عباراتی که مشخص شده‌اند، توصیف کرده است.

۴-۲-۳. نمونه‌ها و مثال‌ها^۱

به‌طور کلی، گفتمان درباره‌ی ما و آن‌ها مملو از مثال و نمونه است که اغلب، در قالب روایت‌هایی درباره‌ی کارهای خوب ما و رفتارهای بد آن‌ها بیان می‌شوند. در توییت، به نظر می‌رسد برای بیان این روایت، از عکس و فیلم استفاده می‌شود. نقش این گزاره‌ها، حمایت از گزاره‌های قبلی و تأکید بر آنهاست و به‌عنوان گواه و شاهد آنها به کار می‌رود. به‌عبارت دیگر، مثال‌ها نقش مقدمه‌ استدلال را بر عهده دارند. (۹) آن قدری که کارنامه‌ی برخی علمای دین در هدایت مردم به سمت بیماری‌های خطرناک و واگیر، از طاعون و تیفوس تا آنفولانزای اسپانیایی، درخشان و موفق است، در دین دار کردن مردم نیست. #کرونا جهل این جماعت است. [فیلم: حرم دارالشفاست. باید با قوت باز باشد. البته مسائل بهداشتی را رعایت می‌کنیم].^۲ (۱۰) دین، غیر از عقلانیت نیست، اگر ویدئوهای امثال سعیدی (تولیت حرم حضرت معصومه) را پخش می‌کنید، این را هم ببیند. #آیت_الله_حسینی_زنجان #کرونا. [فیلم از سخنان آیت‌الله حسینی زنجان: نباید خودمان را به دست خودمان به هلاکت بیندازیم...]

1. examples and illustrations

۲. بخش‌هایی از سخنان بیان‌شده در ویدئوها را این نگارنده درون قلاب نقل کرده است.

به دستورات بهداشتی برای جلوگیری از شیوع عمل کنیم... دستورات بهداشتی را برای حفظ خود و جامعه عمل کنیم. ما از نظر شرعی ضامن هستیم و نمی‌توانیم جان مردم را به خطر بیندازیم.]

در مثال (۹) نویسنده، با انتشار ویدئویی از سخنان تولیت حرم حضرت معصومه (س) که در مقدمه به آن اشاره شد، «برخی از عالمان دینی» را عامل شیوع بیماری‌های واگیردار معرفی می‌کند. در مثال (۱۰)، کاربر دیگری، با انتشار ویدئویی از سخنان آیت‌الله حسینی زنجان‌ی که در آن ایشان توصیه‌ی اکید به رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی می‌کنند، دین را همسو و یکسان با عقلانیت معرفی می‌کند. به عبارت دیگر، ویدئوی منتشر شده مقدمه‌ای است بر گزاره‌ی اول این توییت: «دین غیر از عقلانیت نیست».

۴-۲-۴. نفرین و دشواژه

همان‌طور که در ابتدای این بخش بیان شد، این نگارنده ابزار زبانی دشواژه را در سطح معنا معرفی کرده است. دشواژه‌ها، به‌خصوص در فضای مجازی که بسیاری از کاربران به‌صورت ناشناس فعالیت می‌کنند، فراوانی زیادی دارند. همان‌طور که در جدول (۱) نشان داده شده است، این عنصر زبانی، در گروه دوم، از میان تمام راهبردها و عناصر زبانی معرفی شده کاربرد بیشتری داشته است. شاید بتوان گفت این نشانه‌ی زبانی برای «تأکید بر نکات منفی آن‌ها، و رفع تأکید از نکات مثبت آن‌ها» که دو ضلع از مربع ایدئولوژیک ون‌دایک هستند، قوی‌ترین ابزار است و فاصله‌ی میان افراد درون‌گروه و برون‌گروه را بسیار زیاد می‌کند.

(۱۱) یک مشت زیاله که بی‌شعوری‌شان بلای جان هر جامعه‌ای است.

(۱۲) همه‌شون سَقَط بشن با هم.

(۱۳) قابل توجه ابلهانی که می‌گفتند: «دین در برابر علم زانو زده»؛ مردم همه‌ی ادیان، در ایتالیا، در حال سجده و دعا به درگاه خداوند برای رفع بیماری کرونا. نمایش عجز بشر و نیازش به قدرتی مافوق قدرتهای مادی و زمینی. خوشحالم که همه‌ی دارایی من اهل بیت و معصومین علیه‌السلام هستند. #دعا

مثال (۱۱) و (۱۲) در واکنش به ویدئویی است که از اجتماعات مذهبی منتشر شده است و در آن، افراد بدون رعایت فاصله و سایر نکات بهداشتی دیده می‌شوند. در مثال

(۱۱) و (۱۳) نمونه‌هایی از کاربرد دشواژه و در مثال (۱۲) نمونه‌ای از کاربرد نفرین دیده می‌شود.

۴-۲-۵. مقایسه^۱

یکی از ابزارهای کاربردی در سطح معنا و استدلال، مقایسه موقعیت فعلی با رویدادی تاریخی است. چنین مقایسه‌ای قابل تعمیم به صورت «درس‌های تاریخی» است که از قدرت اقناعی بالایی برخوردارند (Van Dijk, 2003: 71). استفاده از این راهبرد در مثال‌های زیر روشن است:

۱۴) بذارید یک چیزی رو اعتراف کنم. چند وقت پیش داشتم با خودم فکر می‌کردم که چه اتفاقی ممکنه باعث بشه مردم ایران رنسانسی که اروپا تجربه کرد رو تجربه کنن. تو ذهنم فاکتورای مختلفی می‌اومد، اما به نظرم یکی از چیزایی که نمی‌شد ازش چشم‌پوشی کنم نقش طاعون سیاه در تضعیف قدرت کلیسا بود. / کالکو پریست، کلیسایی که تا قبل از طاعون، مرجع درمان بیماری‌ها با استفاده از «ایمان» بود و هرکسی که از بیماری می‌مرد رو «کم‌ایمان» می‌دونست، حالا با کوهی از اجساد مؤمنین و کشیش‌ها روبه‌رو شد. مردمی که چشم‌امیدشون به بخشش کلیسا برای نجات از بیماری بود، دیدن که «ایمان» راهی برای نجات نیست. همین‌جا بود که مردم کم‌کم به‌جای احساس، ایمان و خرافه، عقل محوری رو جایگزین کردن و سیکتیر دین و کشیش و کلیسا رو زدن. شاید کرونا طاعون سیاه ایرانه.

۱۵) زیر سؤال بردن مقدسات، ترویج دین‌گریزی، تهمت‌زنی به مقدسات؛ هوشیار باشید آندلس با شیشه‌های شراب به مسلخ رفت، نکند ما با بوق کرونا... #BBCorona #بنگاه‌های_ویروس_پراکنی.

۴-۲-۶. تلویحات و پیش‌انگاری‌ها^۲

تولید گفتمان براساس مدل‌های ذهنی ما از رویدادهاست و به دلایل بسیاری (مانند دانشی که مخاطب دارد) تنها لازم است بخشی از اطلاعات موجود در مدل را بیان کنیم. هرگاه لازم باشد، مخاطبان از طریق مدلی که از گفتمان دارند یا دانش اجتماعی فرهنگی خود،

1. comparison
2. implications and presuppositions

اطلاعات مفقود را استنباط می‌کنند. تمام گزاره‌هایی که در مدل وجود دارند اما در گفتمان نیستند معنای «تلویحی»^۱ گفتمان نامیده می‌شود. در تحلیل گفتمان ایدئولوژیک، روشن ساختن معنای تلویحی جمله یا متن، ابزاری قدرتمند در مطالعه انتقادی است. انتخاب اینکه کدام اطلاعات صریح بیان شوند و کدام اطلاعات به‌طور ضمنی، از نظر ایدئولوژیک، خفتی نیست. در طرحواره کلی، هر فرد مایل است که اطلاعاتی را که به تصویر مثبتش از خود خدشه وارد می‌کند پنهان سازد و از طرف دیگر، هر اطلاعاتی را که بر نکات منفی دشمن یا گروه خارجی تاکید می‌کند، به‌صراحت، در متن یا گفته بیان کند. یک راه شناخته‌شده برای این کار این است که اطلاعاتی را که مشترک نیستند یا در سطح عام پذیرفته نیستند پذیرفته‌شده بینگاریم و بنابراین، طوری از آن صحبت کنیم که انگار واقعیت است. برای مثال، در یک گفتمان نژادپرستانه، پلیس اعلام می‌کند که «از نرخ بالای بزهکاری در پسران جوان مهاجر نگران است». چنین گفته‌ای یک پیش‌انگاری دارد و آن اینکه پسران جوان مهاجر نرخ بزهکاری بالایی دارند. این گزاره ممکن است صادق نباشد و یا اینکه در مورد تمام پسران جوان بیکار صادق باشد؛ بنابراین پیش‌انگاری می‌تواند فریبنده باشد.

۱۶) طراحان سناریوی #کرونا شهر مقدس #قم را هوشمندانه انتخاب کردند! باید دوگانه‌های «علم و دین» بسازند. باید دین ناقل کرونا در بین توده‌ها باشد! در این مثال، نویسنده با به‌کاربردن گزاره‌های «طراحان سناریو» و «انتخاب هوشمندانه شهر قم»، به‌طور تلویحی، این معنا را القا می‌کند که شیوع کرونا از قم عمدی و با نقشه قبلی بوده است. تلویح مشابهی در مثال (۶)، که اینجا در قالب مثال (۱۷) تکرار می‌شود، به‌کار رفته است. در این مثال، نویسنده کسانی را که مانع بسته‌شدن درب حرم‌ها شدند وابسته به انگلستان می‌داند.

۱۷) ضریح می‌لیسند، در حرم را می‌شکنند، قمه می‌زنند، قلاده می‌اندازند و...، اما هروقت حرم به‌خطر بیفتد، فرار می‌کنند و به سفارت انگلستان پناهنده می‌شوند.

۱۸) آنچه که امروز در ایران شاهدش هستیم جدال ترسناک دین و علم است. صدور ویروس کرونا از قم و مشهد به چندین کشور منطقه و امتناع مسئولان و مراجع مذهبی در

1. 'implied' meaning of discourse

ایران از پذیرفتن بدیهیات علمی، این بار، می‌تواند فاجعه‌ای جهانی به بار بیاورد، فاجعه‌ای که جامعه جهانی باید برای مهارش دست‌به‌کار شود.

در مثال (۱۸) چندین پیش‌انگاری دیده می‌شود. به‌عنوان مثال، علی‌رغم اینکه با شیوع کرونا، عده زیادی از مراجع مذهبی در پیام‌هایی به رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی توصیه کردند، در این توییت القا می‌شود که از پذیرفتن دستورهای علمی سر باز زده‌اند و به‌صورت تلویحی، ایران را ناتوان از مدیریت اوضاع و نیازمند مداخله خارجی می‌خواند.

۴-۲-۷. رفع مسئولیت (انکار)^۱

یکی از انواع ابزارهای معمول گفتمان متعصبانه روش معناساختی انکار است که شناخته‌شده‌ترین آنها نفی ظاهری^۲ است: من مخالف X نیستم، اما... از این رو، نام این ابزار نفی ظاهری است که به‌عنوان مثال، در یک گفتمان نژادپرستانه، بند اول احساس متضاد یا نژادپرستی را علیه گروه دیگر انکار می‌کند درحالی که بقیه گفتمان ممکن است حاوی چیزهای بسیار منفی راجع به دیگران باشد. نفی در این مورد، ابتدا، به‌عنوان خودنمودی مثبت یا حفظ ظاهر به کار می‌رود: سخنگویان می‌خواهند از ایجاد تفکر منفی نسبت به خود در مخاطب جلوگیری کنند.

ون‌دایک (۲۰۰۳) انواع دیگر انکار را معرفی کرده است:

امتیاز ظاهری^۳: آنها ممکن است که باهوش باشند، اما...

دلسوزی ظاهری^۴: آنها ممکن است که مشکلاتی داشته باشند، اما...

عذرخواهی ظاهری^۵: عذر می‌خواهم، اما...

تلاش ظاهری^۶: اما هر کاری بتوانیم انجام می‌دهیم، اما...

انتقال^۷: من مشکلی با آنها ندارم، اما مشتری‌هایم...

واژگونی، سرزنش قربانی: آنها نیستند که تحت تبعیض‌اند، بلکه این ماییم!

-
1. disclaimers
 2. apparent negation
 3. apparent concession
 4. apparent empathy
 5. apparent apology
 6. apparent effort
 7. transfer

تمام این راهکارهای انکار حاوی نکات مثبت گروه ما و نکات منفی آنهاست؛ بنابراین، مستقیماً، آغازگر رفتارهای متضاد ایدئولوژیک هستند.

۱۹) شفا باور و یقین خود انسان به بهبودی است. در اصل، همون امید با انجام ملزوماتش، اما اگر کسی ادعا بکنه که فقط با دست‌آویزی به بارگاهی چه سنگی و توخالی چه الهی، و بدون انجام هیچ ملزوماتی، بهبودی حاصل کرده، قطعاً دروغگوئی که داره یک بخش از واقعیت رو نمی‌گه.

مثال بالا نمونه‌ای از امتیاز ظاهری است. نویسنده ابتدا شفا را با باور و امید و تلاش انسان برای بهبودی یکی می‌داند و در ادامه، باور به شفای معنوی را به نوعی انکار می‌کند. ۲۰) با اینکه علمای اهل سنت اعلام کردند که نمازهای جماعت لغو شود و تقریباً همه مردم قبول کردند... شاید مردم چابهار نیاز به آموزش بیشتری در چنین مواقعی دارند. توییت (۲۰) در واکنش به توییت (۲۱) نوشته شده است:

۲۱) کرونا و مناسک: نماز جمعه اهل سنت؛ اعتراض گروهی از مردم به تعطیلی نماز جمعه اهل سنت در چابهار به دلیل کرونا و نهایتاً شکستن قفل و گشودن مسجد. تعصب دین عامه بر مناسک، یک خصلت فراگیر در این مدل دین‌داری است. شیعه و سنی و مسیحی و یهودی هم ندارد. #کرونا_و_دین در مثال (۲۰)، با نوعی رفع مسئولیت از علما مواجهیم و شکستن قفل مسجد را ناشی از آموزش ندیدن بخشی از مردم می‌داند.

۳-۴. استدلال

بسیاری از گفتمان‌ها ساختار استدلالی دارند، به‌عنوان مثال، سرمقاله یک روزنامه، مقالات علمی، دعوای زوجین یا پارلمانی. در گفتمان استدلالی، یک یا چند شرکت‌کننده سعی می‌کنند که موضع خود را، با استفاده از استدلال، پذیرفتنی‌تر و معتبرتر کنند. این قبیل گفتمان‌ها به دو بخش تقسیم می‌شوند: استدلال و نتایج یا دیدگاه و استدلال، بسته به اینکه کدام یک اول می‌آیند. محتوای استدلال به ایدئولوژی بستگی دارد، اما ساختار استدلال مستقل از ایدئولوژی است. برای مثال، اگر از استدلال‌های بی‌ربط استفاده کنیم، با احساسات دیگران بازی کنیم، از مخالف بخواهیم ثابت کند که اشتباه می‌کنیم، استدلال کنیم چیزی درست است چون همه این چنین فکر می‌کنند یا صاحب مقامی چنین می‌گوید، قواعد استدلال را نقض کرده‌ایم. همچنین، با تعمیم و استفاده از تشبیهات اشتباه هم دچار

مغالطه شده ایم. ارتباط مستقیمی بین مغالطه و روش استدلال و ایدئولوژی وجود ندارد. این ارتباط تنها معناشناختی است: محتوای استدلال با ایدئولوژی مرتبط است (Van Dijk, 2003).

۴-۳-۱. تعمیم^۱

یکی از ابزارهای زبانی، در سطح استدلال، تعمیم است. در تعمیم، رویدادها گسترش می‌یابند و احتمالاً انتزاعی می‌شوند، و بنابراین، ادعا گسترده‌تر و درعین حال کاربردی‌تر می‌شود. از این طریق است که گفتمان می‌تواند ارتباط شناختی بین مثال‌های بارز موجود در الگوی ذهنی و تفکرات عمومی‌تر موجود در نگرش اجتماعی یا ایدئولوژی را نشان دهد. مشکل مثال‌ها این است که ممکن است استثنا باشند؛ بنابراین، لازم است که نشان داده شود مثال‌های ارائه شده استثنا نیستند، بلکه معمول و قابل تعمیم‌اند. این کار می‌تواند با عبارات استاندارد مانند کمیت‌نماهای اسم (بیشتر، تمام) یا عبارات زمان و بسامد تکرار (همیشه، دائماً) یا مکان (همه‌جا) بیان شوند.

۲۲) جماعت ارزشی-مذهبی، برخلاف توصیه‌های بهداشتی، با حضور در امکان مذهبی و زیارتی، شروع به انتشار عکس و ویدئو از زیارت حرم حضرت معصومه و امام رضا می‌کنند؛ همه هم می‌زنند: اینجا دارالشفاست. موج جدید ضدیت با دین را به‌زودی به‌صورت اپیدمی فراتر از کرونا خواهیم دید؛ آن روز نگوید کار دشمن است! در این مثال، نویسنده اقدام عده‌ای از افراد مذهبی را، با استفاده از عبارات مشخص شده، به کل این قشر تعمیم داده است.

در مثال (۱۳)، که در شماره (۲۳) تکرار شده است، نویسنده توییت، با انتشار ویدئویی که مدعی است مربوط به ایتالیاست و افرادی را در حال عبادت نشان می‌دهد، می‌نویسد که «مردم همه ادیان» روی به درگاه خدا آورده‌اند و این را نشانه عجز و نیاز «بشر» می‌داند. در پاسخ‌هایی که به این توییت داده شده (مانند مثال ۲۴)، مشخص می‌شود که این ویدئو مربوط به مراسمی در پرو است که سال گذشته برگزار شده است:

۲۳) قابل توجه ابلهانی که می‌گفتند: «دین در برابر علم زانو زده»؛ مردم همه ادیان، در ایتالیا، در حال سجده و دعا به درگاه خداوند برای رفع بیماری کرونا. نمایش عجز بشر و

1. generalization

نیازش به قدرتی مافوق قدرت‌های مادی و زمینی. خوشحالم که همه دارایی من اهل بیت و معصومین علیه‌السلام هستند. #دعا

(۲۴) اینجا میدون سن مارتین شهر لیما، پایتخت کشور پرو، در امریکای جنوبی است! مال پارساله! هیچ ارتباطی با کرونا نداره و در ایتالیا، مردم ایتالیایی حرف می‌زنن، نه اسپانیولی.

۵. ساختارهای گزاره‌ای^۱

معنای درونی گفتمان، در قالب گزاره‌ها، سازمان‌بندی شده است: هر جمله یک یا چند گزاره را بیان می‌کند، چیزهایی که می‌توانند صادق یا کاذب باشند یا اینکه یک «فکر» کامل را بیان کنند. خود گزاره‌ها هم دارای ساختار درونی هستند. در تحلیل‌های سنتی فلسفی و منطقی، گزاره‌ها، خود، ساخت محمولی دارند (Van Dijk, 2003). در تحلیل ایدئولوژیکی، ساختار گزاره‌ها ویژگی‌های قابل توجهی دارند که به‌طور مختصر، به آن می‌پردازیم.

۵-۱. گواه‌نمایی^۲

گواه‌نمایی یکی از عناصر زبانی رایج در سطح «ساختارهای گزاره‌ای» است. سخنگویان مسئول گفته‌های خود هستند؛ بنابراین، اگر باوری را بیان می‌کنند، انتظار می‌رود که گواهی بر ادعای خود داشته باشند و در بحث با مدعیان، از آن استفاده کنند. معیار خوب و پذیرفتنی بودن «گواهی» ممکن است در هر بافت و فرهنگی متفاوت باشد. در زندگی روزمره، می‌تواند از «با چشمان خود دیدم» تا شایعات را در بر بگیرد. در جوامع معاصر، رسانه معیار مهمی برای گواه‌نمایی است: «در تلویزیون دیدم» یا «در روزنامه خواندم»، استدلال‌های قدرتمندی در مکالمات روزمره هستند. از آنجاکه استفاده از پیام رسانه می‌تواند با جهت‌گیری همراه باشد، چنین گواهی نیز می‌تواند، از نظر ایدئولوژیکی، دارای جهت‌گیری باشد (Van Dijk, 2003, 2015).

(۲۵) #حراری در #انسان_خردمند می‌گوید شما هیچ‌وقت نمی‌توانید میمونی را قانع کنید در مقابل وعده موزه‌های بی‌شمار در جایی به اسم بهشت، به شما یک موز بدهد! تنها

1. propositional structures
2. evidentiality

با انسان می‌شود چنین کرد، می‌شود افسانه‌های جمعی ساخت، دکان دین و حرم و زیارت راه انداخت و در اوج اپیدمی #کرونا، دعوت به حماقت کرد.

(۲۶) *وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ*^۱ و اکنون که از بیم به مساجد نتوانید رفت، خانه‌هایتان را قبله و معبد خود قرار دهید.

در مثال (۲۵)، نویسنده، با ارجاع به کتاب *انسان خردمند*، گواهی بر گزاره‌ای که مطرح کرده، آورده است و با ارجاع به یک کتاب، به مدعای خود اعتبار بخشیده است. در مثال (۲۶)، نویسنده با ارجاع به قرآن کریم، که بالاترین اعتبار را در میان مسلمانان دارد، افراد را به ماندن در خانه در شرایط کرونا و انجام اعمال عبادی در منزل دعوت کرده است و به صورت تلویحی، رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی را فریضه‌ای دینی خوانده است.

جدول (۱)، با ارائه یافته‌های کمی پژوهش به صورت درصد فراوانی، نشان داد که در گروه ۱، فاصله‌گذاری و قطب‌بندی بیشترین کاربرد را در صورت‌بندی گفتمان ایدئولوژیک داشته‌اند؛ در حالی که در گروه ۲، نفرین و دشواژه و قطب‌بندی ابزارهای زبانی پر کاربرد بوده‌اند. در مجموع دو گفتمان، نفرین و دشواژه و فاصله‌گذاری بیشترین و انکار کمترین ابزارهای به کاررفته هستند.

۶. بحث و نتیجه‌گیری

از بررسی محتوا و کاربرد ابزارهای زبانی در توییت‌های مرتبط با «مذهب و کرونا» چنین برمی‌آید که نحوه به کارگیری راهبردهای زبانی برای بازنمایی دین و علم، توسط کاربران توییت، مبتنی بر ایدئولوژی است. در گروه ۱، تأکید و تقویت عملکرد مثبت گروه خودی و در گروه ۲، بازنمایی منفی از گروه غیر خودی، به عنوان راهبردهای کلان متن، در دستور کار نویسندگان قرار دارد. گروه ۱ با تکرار دستورالعمل‌های قرآنی و ارجاع به سخنان بزرگان دینی در تلاش است که نشان دهد عمل به دستورالعمل‌های بهداشتی در راستای عمل به دستورالعمل‌های دینی است و دین هیچ تقابلی با علم ندارد. این گروه، میان خود و کسانی که در پوشش مذهب اقدام به مخالفت با دستورالعمل‌های ستاد ملی مقابله با کرونا کرده‌اند، فاصله‌گذاری می‌کند و تا آنجا پیش می‌رود که این اقدامات را نتیجه توطئه بیگانه و به‌خصوص انگلیس می‌داند. در مقابل، گروه ۲ دیگری را تهدیدی برای سلامت جامعه

۱. قرآن کریم، سوره مبارکه یونس، آیه ۸۷.

می‌داند و حتی با به‌کاربردن مکرر نفرین و دشواژه، آرزوی ازبین‌رفتن «آنها» را می‌کند. این گروه، با استفاده از تعمیم و مثال‌ها و مقایسه‌های تاریخی، سعی دارد که دین را در تقابل همیشگی با علم نشان دهد. فراوانی بسیار راهبرد فاصله‌گذاری و قطب‌بندی بر تمایل شدید نویسندگان برای ایجاد تقابل بین دو گروه و تاکید هر چه بیشتر بر آن دلالت دارد. باتوجه‌به تأثیر توییت‌ها در پدیدآمدن کنش‌های اجتماعی، این تقابل‌ها به‌طور بالقوه می‌توانند به سطح جامعه کشیده شوند. این موضوع می‌تواند باعث به‌وجودآمدن تنش‌های اجتماعی شود. لازم است که کارشناسان، باتوجه‌به نتایج پژوهش حاضر و همچنین با انجام پژوهش‌های دیگری در آینده، علت این تقابل‌ها را شناسایی کنند تا با فراهم شدن فرصت گفت‌وگو میان ایدئولوژی‌های متفاوت، همدلی و همگرایی میان گروه‌های مختلف ایجاد گردد و به این وسیله، ثبات اجتماعی تضمین شود.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID

Abedeh Mirzaee



<https://orcid.org/0000-0003-4582-5033>

منابع

- تابناک. (۱۳۹۸). نظر تولیت حرم حضرت معصومه دربارهٔ بستن حرم. <https://www.tabnak.ir>
- سلطانی، سید علی‌اصغر. (۱۳۸۳). تحلیل گفتمان به‌مثابه نظریه و روش. علوم سیاسی، ۲۸، ۱۵۳-۱۸۰.
- سلطانی، سید علی‌اصغر. (۱۳۸۴). قدرت، گفتمان و زبان، سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران. تهران: نشر نی.
- قاسمی‌اصل، زینب و نیازی، شهریار. (۱۳۹۸). مطالعهٔ ساخت‌های گفتمان‌مدار معنایی در روزنامهٔ الحیاء عربستان باتکیه بر الگوی ون‌دایک. زبان‌پژوهی، ۳۲، ۳۳۱-۳۵۵.
- کلانتری خاندانی، عزت‌الله، فرخی برفه، محمدحسن و غنچه‌پور، موسی. (۱۳۹۹). تحلیل گفتمان انتقادی توییت‌های دونالد ترامپ براساس مدل ون‌دایک. زبان‌پژوهی، ۳۴، ۱۳۱-۱۵۶.

References

- Golbeck, J., Grimes, J. M., & Rogers, A. (2010). Twitter use by the U.S. congress. *Journal of the American Society for Information Science & Technology*, 61(8), 1612-1621.
- Harris, Z. (1952). Discourse Analysis. *Language*, 28, 1-30.
- Herring, S. C., Stein, D., & Virtanen, T., (2013). Introduction to the pragmatics of computer-mediated communication. In Herring, S.C., Stein, D., Virtanen, T. (Eds.), *Pragmatics of Computer-Mediated Communication*. Mouton De Gruyter, Berlin, 3-32.
- Medina, R., & Muñoz, C. (2014). Campaigning on twitter: towards the “personal style campaign to activate the political engagement during the 2011 Spanish general elections. *Comunicación Y Sociedad*, 27(1), 83-106.
- Mohammad, S. M., Zhu, X., Kiritchenko, S., & Martin, J. (2015). Sentiment, emotion, purpose, and style in electoral tweets. *Information Processing and Management*, 51, 480-499.
- Sousa, A., & Ivanova, A. (2012). Constructing digital rhetorical spaces in twitter: a case study of @barackobama. *Topics in Linguistics*, 9, 46-55.
- Van Dijk, T. A. (1998). Social cognition and discourse. In H. Giles & R. P. Robinson (Eds.), *Handbook of social psychology and language*. Oxford: Blackwell, 21-63.
- Van Dijk, T. A. (2001). Multidisciplinary CDA: A plea for diversity. *Methods of critical discourse analysis*, 1, 95-120.
- Van Dijk, T. A. (2003). *Ideology and discourse, multidisciplinary introduction*. Barcelona: Ariel.
- Van Dijk, T. A. (2006). Ideology and discourse analysis. *Journal of Political Ideology*, 11(2), 115-140.
- Van Dijk, T. A. (2015). *Racism and the Press*. Routledge.
- Ghasemiasl, Z., & Niazi, Sh. (2019). The Study of Discourse-semantic Structures in Arabia Alhayat Newspaper with Emphasis on Van Dijk Schema. *Scientific Journal of Language Research*, 32, 331-355. [In Persian].
- Kalantari Khandani, E., Frrokhi Barfe, M., & Ghonchepour, M. (2020). Critical Discourse Analysis of Trump’s Tweets Based on Van Dijk Model. *Scientific Journal of Language Research*, 34, 131-156. [In Persian].
- Soltani, A. (2005). Discourse Analysis as a Theory and Method. *Political Science*, 28, 153-180. [In Persian].

Soltani, A. (2006). *Power, Discourse and Language: Mechanism of Power in Islamic Republic of Iran*. Tehran: Ney Publication. [In Persian].
Tabnak. (2020, March 18). <https://www.tabnak.ir> [In Persian].

استناد به این مقاله: میرزایی، عابده. (۱۴۰۰). کرونا، پنجه‌درپنجه مذهب: تحلیل گفتمان توییتر فارسی با چارچوب شناختی-اجتماعی و ن‌دایک. *علم زبان، ویژه‌نامه کرونا، سال ۸، ۷-۳۰*.
Doi: 10.22054/Is.2020.53527.1373



Language Science is licensed under a Creative Commons Attribution-Noncommercial 4.0 International License.